

گروه فرهنگ و ادبیات

نمی‌شود جشن و سروری معنوی همچون فطر در شمار بزرگ‌ترین عیدهای مسلمانان باشد و در ادبیاتِ همین مردمان یکتا پرست بازتاب نیافته باشد. عالمان و عارفان و دانشمندان و دانشوران مسلمان فارسی‌زبان از روزگاری دور با بهره‌گیری از محتوای دین اسلام و به یاری ابزار زبان رسمی ایرانیان، متون مکتوبی برجسته و پرشمار از خود به جا گذاشتند. در این متون، طبعاً جلوه‌های گوناگون فرهنگی برآمده از کیش محمد(ص) نمودی ویژه بر بستر زبان فارسی دارد. یکی از این جلوه‌ها عید فطر است، عیدی که به گفته منتسب به معصوم، از آن کسی است که خداوند روزه و نیایش هایش را پذیرفته است. نویسندگان این حوزه فرهنگی، صرف‌نظر از اینکه در کدام‌یک از عرصه‌های شعر و تاریخ و کلام و اصول دین و... قلم زده‌اند، به هر حال متونی پدید آورده‌اند که جزو گنجینه نظم و نثر فارسی است و همین میراث ارجمند مبنای جست وجوی ما در این مطلب است. حکیم ناصرخسرو قبادیانی، شاعر بزرگ ایرانی در کتاب «وجه دین» آورده است: «[... و روز عید روزه‌گشایان را فطر خوانند، و در بخشی دیگر از همین رساله می‌نویسد: «گویم که زکات فطر بر سر مردم است و زکات مال بر توانگران است و تأویل زکات فطر اقرار مؤمن است مر امام را [...]».

عید فطر در قلم صوفیان نیز - که بخش درخور توجهی از ادب ما را آفریده‌اند - بروز و ظهور داشته است. ابوعلی حسن بن احمد عثمانی، صاحب نخستین برگردان فارسی «رساله کشمیری» در ترجمه سخنان مؤلف کتاب یادشده نوشته است: «ابوعبدالله... خفیف گفت چهل سال است تا زکات فطر بر من واجب نبوده است و مرا قبولی بود بسیار در پیش خاص و عام». امام محمد غزالی توسی، متکلم و صوفی نامدار نیز در «کیمیای سعادت، که اصول دین را از دید خود بیان می‌کند، نگاشته است: «[...] تأخیری بی عذری نشاید و زکات فطر از روز عید شاید تأخیر کردن و تعجیل آن در رمضان روا بود و پیش از رمضان نشاید[...].» اما به‌جز منابع منثور که نمونه‌هایی از آن در سطرهای بالا آمده، شعر و نظم نیز به عید سعید فطر بارها پرداخته است. در این باره، از میان قصیده‌های سده ششم هجری نمونه‌هایی قابل ذکر است. خاقانی شروانی، شاعر نامدار این قرن، می‌سراید: «اقبال بین که حاصل خاقانی آمده است/ کاندن سه مه دو عید و دو حش شد میسرش/ عیدی به قرب مکه و قربانگه خلیل/ عید دگر به حضرت خاقان اکبرش/ گفتم کدام عید نه اضحی بود نه فطر/ بیرون ز این دو عید چه عید است دیگرش، دیگر نمود این جشن در قصیده را می‌توان در سروده رشیدالدین وطواط دید، آنجا که ملک اتسز را می‌ستاید: «بعید فطر صلات و زکات تو مقبول/ به ماه روزه صیام و قیام تو مبرور، یا قصیده سوزنی سمرقندی که در مدح سلطان گفته است: «تا ز عین و یا ودال آمد مرکب اسم عید/ سال و ماه تو سراسر عین و یا ودال باد/ تا به روز اول شوال باشد عید فطر/ بر تو هر روزی چو روز اول شوال باد، از دیگر نمونه‌های عید فطر در شعر قدما خوب است از غزل کلیم کاشانی در سده یازدهم یاد کرد: «زکات فطر می رطلی گران باید جدا کردن/ خمار باده در چشمم سیه کردست عالم را،» یا قائم مقام فراهانی، وزیر خردمند قاجاریه که فرموده است: «گر به روز عید فطر از من گناهی رفت رفت/ عفو تو صد بار از آن جرم اعظم و اکبر بود،

انتشار تازه‌ترین اثر مصطفی رحماندوست

کتاب «علی کوچولو، کمد و ماهی» شامل ۲ سروده از مصطفی رحماندوست، شاعر و نویسنده نام‌آشنای کودک و نوجوان است که با تصویرگری سارا کثیری از سوی نشر نیستان به بازار کتاب کودک عرضه شده است. به گزارش «فارس»، کتاب «علی کوچولو، کمد و ماهی» شامل دوسروده از مصطفی رحماندوست، شاعر و نویسنده نام‌آشنای کودک و نوجوان، است که با تصویرگری سارا کثیری همراه و در ۳۲ صفحه وزیری با بهای پشت جلد ۷۹ هزار تومان از سوی نشر نیستان به بازار کتاب کودک عرضه شده است. شعر اول با عنوان «ماهی‌ها با هم، داستانی است که حول مفهوم اتحاد شکل گرفته است. ماهی‌هایی که برای نجات دوستشان از قالب ماهیگیر دست در دست هم اورا به آب می‌اندازند. این مفهوم در کنار ارائه موضوع‌هایی چون شادی و زیبایی‌های زندگی این قطعه شعر کوتاه را شکل داده‌اند.

رحماندوست اما در شعر دوم با عنوان «علی

کوچولو بالای کمد، داستان یک بازیگوشی کود کانه را دستمایه ارائه مفهوم جسارت و تبعات آن با نگاهی کودکانه کرده است. نکته درخور توجه در هر ۲ شعر این کتاب، ارائه مفاهیم مد نظر شاعر در قالبی غیر بازدارنده و مهیج برای مخاطب است. در عین حال شاعر سعی دارد تا با استفاده از عبارات آهنگین و ساده نشاط‌آوری متن را نیز به مخاطب خود منتقل کند.

زین قن‌پدر

علیرضا حیدری مدرس ویراستاری
● به کلمه‌هایی که به «ه» غیر ملفوظ ختم می‌شود، برای نکره‌شدن «ای» می‌افزاییم:
خانهای
کوچه‌ای
دفترچه‌ای
نامه‌ای
● در غیر این صورت تنها «ی» نکره می‌گیرد:
کتابی
سب‌دی
دفتری
متن.
#زین-قندپارسی

در ستایش مادرانگی

محبوبه عظیم زاده

معرفی کتاب

«جوانه از دری که چهارطاق باز بود به بیرون نگاه کرد و حواسش جمع دنیای بیرون شد. مدتی بود که دیگر اشتها نداشت. او نمی‌خواست تخم دیگری بگذارد. هر بار که زن مزه‌دار تخم‌هایش را برمی‌داشت، قلبش از احساس خالی می‌شد و غروری که پس از گذاشتن هر تخم حس می‌کرد، جای خودش را با ماجرا خسته شده بود. سال کامل، از این ماجرا خسته شده بود. نمی‌توانست تخم‌های خودش را لمس کند، حتی با نوک پاهایش. نمی‌دانست پس از آنکه

درنگی بر چراییِ تداوم زبان سعدی تا امروز

آن پارسی‌گوی مانا

خادم

محمد علی فروغی در مقدمه‌ای که بر گلستان تصحیح شده خودش نوشته است، می‌گوید: «گاهی شنیده می‌شود که اهل ذوق اعجاب می‌کنند که سعدی هفتصد سال پیش به زبان امروزی ما سخن گفته است، ولی حق این است که سعدی هفتصد سال پیش به زبان امروزی ما سخن نگفته است، بلکه پس از هفتصد سال به زبانی که از سعدی آموخته‌ایم سخن می‌گوییم، یعنی سعدی شیوه نثر فارسی را چنان دلنشین ساخته که زبان او زبان رایج فارسی شده است.» اهل فن می‌گویند سعدی زبان فارسی را به اوج و کمال رسانده و در آن بلندای خودش ساخته‌اش هنوز بی‌رقیب ایستاده است، اما چرا سعدی را استاد سخن و بی‌رقیب می‌دانند؟ چرا شیرینی شعر و نثر پس از بیش از هفت قرن هنوز نه کهنه شده و نه دل‌را می‌زند؟ در این مطلب نظر دو تن از استادان سرشناس زبان و ادبیات فارسی را می‌آوریم که به این پرسش‌ها پیش از این پاسخ داده‌اند.

● **سعدی به زبان فردوسی بازگشت**
دکتر اصغر دادبه زبان سعدی را سهل و ممتنع می‌داند. زبانی که در قرن هفتم به زبان فردوسی بازگشت. در قرن چهارم هجری در جریان بازگشت به هویت و بازسازی آن، زبان هم همین وضع را داشت و شعرای بزرگی مانند فردوسی و رودکی پدید آمدند که زبان روشن و سالم و مؤثری به کار می‌بردند و این وضع تا اوایل قرن پنجم ادامه داشت. پس از آن ادبای عرب‌زده که گمان می‌کردند دشوارگویی نشانه بلاغت و فصاحت است، کلمات و تعبیرات سخت فهم را وارد زبان کردند و پس از آن صنایع ادبی به شکل تصنعی ظهور کرد و زبان فردوسی و رودکی به زبانی نامفهوم و دشوار تبدیل شد. هنر سعدی این بود که زبانی را بازسازی کرد که هم اهل فن و هم مردم آن را بفهمند و ببسندند. او در قرن هفتم به زبان فردوسی بازگشت، اما زبان سعدی زبان دیگری بود که ویژگی‌های خودش را دارد. ویژگی نخست این است که سعدی جذابیت شعر را به نثر و روانی نثر را به شعر آورد. پیش از سعدی نثر سخت خوان بود.

ویژگی دیگر، ظاهر ساده و باطن هنری است. کلام

سعدی به قدری ساده است که گمان می‌شود هنری در آن نیست، در حالی که تمام هنر همین است که هنر در باطن باشد و آن هنر جزو ذات زبانی است که سعدی خلق کرده است. صنایع وقتی ارزش دارند که به صورت طبیعی در سخن حضور پیدا کنند.

سومین ویژگی زبان سعدی، ایجاز است. ایجاز به گفته برخی عین بلاغت است. و این ویژگی جدی کلام سعدی است، شمانی توانید چیزی را از یک جمله گلستان حذف کنید.

ویژگی چهارم، طنز است. مفهوم دقیق طنز و ویژگی آن چیزی است که خود سعدی در پایان گلستان گفته است و صادق بر تمام آثارش و آن طرب انگیزی و طیبیت آمیزی است. این ویژگی خاص سخن سعدی است، اما تمام این‌ها تابع شرایط اجتماعی و سیاسی است. در روزگار سعدی که نسبتاً اوضاع مناسب بود و به تعبیر خودش فتنه‌ای جز فتنه قامت مهوشان نبود. طبیعی است که آن زندگی آرام، شادی هم می‌آورد و سخن سعدی چنین است. حالا طنز زیرمجموعه آن ویژگی به گفته خودش طرب انگیزی و طیبیت آمیزی قرار می‌گیرد. بر هر اثری از سعدی انگشت بگذارید این ویژگی را می‌بینید، حتی اگر از فراق حرف بزنند. آن فضای شاد و اندوهگین را در این غزل سعدی می‌بینیم:

● یک امشب که در آغوش شاهد شکرم / گرم چو عود بر آتش نهند غم نخورم
چو التماس برآمد هلاک باکی نیست / کجاست تیر بل‌گو بیا که من سپرم

زن مزه‌دار تخم‌ها را با سیدش از مرغدانی بیرون می‌برد، چه اتفاقی برای آن‌ها می‌افتد. «آنچه خواندید بخش کوتاهی است از داستان «مرغی که رؤیای پرواز داشت» نوشته سونمی هوانگ از نویسندگان مشهور و محبوب کره جنوبی. داستانی که گفته می‌شود در ستایش حس مادرانگی و جسارت در مسیر رسیدن به آرزوها نوشته شده است و محور اصلی داستان حول مرغی می‌چرخد به اسم جوانه. این کتاب با ترجمه آناهیتا فلاح فعال و به وسیله نشر صاد منتشر شده است که با عنوان مهم‌ترین اثر نوجوان ادبیات داستانی کره جنوبی نیز شناخته می‌شود. شهرت این داستان تا حدی است که وقتی سال ۲۰۰۰ منتشر شد برای

که در حال خواندن ماجرای مادری در جهان هستید، شاید دلیل دیده‌شدن این رمان در سطح جهانی همین باشد.
راوی این داستان قبل از اینکه یک مرغ باشد یک مادر است و اصلاً دغدغه اصلی این رمان هم کنار آمدن با پیشرفت حس مادرانگی در موجود مؤنثی است که تصمیم می‌گیرد مادر باشد. این حس یک حس بین المللی است. همه مادرهای دنیا قبل از اینکه تصمیم بگیرند چطور نگران فرزندشان باشند، نگران فرزندشان می‌شوند. می‌خواهم بگویم که این حس کاملاً غریزی است و غریزه به نوع بشر مربوط است و یک قدم قبل از پیدایش مجموعه فرهنگ انسانی است.»



چرا زبان سعدی همچنان زبان معیار است؟

و غلط در زبان فارسی است، چون فارسی امروزی ما دستاورد رنج این ادیب بزرگ فارسی است و هر آنچه امروز از آن با عنوان زبان می‌شناسیم یادگاری‌های ایشان است. بارها شنیده‌ایم که مثلاً فلاتی سعدی معاصر است و این بدان معناست که سعدی متر اندازه‌گیری فصاحت و بلاغت زبانی است. کلام دلنشین، روان، ساده و قابل فهم زبان سعدی را ممتاز کرده است. او هیچ گاه شیفته و فریفته زبان عربی روزگار خود نشده که نشان فضل و برتری بود. سعدی سادگی و در عین حال آراستگی و پیراستگی کلام را بر فضل فروشی فاضلانه ترجیح داد و این بود که سخنش به روز است و همواره خواننده می‌شود. سعدی فوق زمانه و در زمان خودش ناآور بود و به دلیل همین سادگی و روانی است که گلستان به زبان‌های بسیاری ترجمه شده است. به تعبیر دکتر محمد فتوحی «سعدی شاعر زبان و خداوندگار نظم است و دلیل اینکه صاحب زبان معیار فارسی است، همین نظم موجود در کلام اوست و به گواه بسیاری از بزرگان زبان فارسی باید گفت زبان فارسی معیار، از زمان سعدی به بعد شکل گرفت. نظم در نحو تحقق می‌یابد. نظم شامل نظم پایه و نظم هنری است. نظم پایه همان زبان معیار پذیرفته شده عموم و درجه صفر به بعد شکل گرفت. نظم در نحو تحقق می‌یابد. نظم شامل نظم پایه و نظم هنری است. نظم پایه می‌شود که آگاهانه یا ناخودکار می‌کرد و دو نوع نظم دیگران متمایز می‌کند.»

پول خرد می‌ریخته و از بام فرو می‌افکنده‌اند، مشبه قرار دهد و مردم لثیم و ممسک را بدان تشبیه کند؟ [...] در غزل و قصیده نیز از این حسن توجه غافل نمی‌ماند و برای باز نمودن عشق خویش در موقع مقتضی حتی از لوازم آشپزخانه یعنی دیگ و هاون نیز در نمی‌گذرد:
نه هاونم که بنالم به کوفتی از یار / چو دیگ بر سر آتش نشان که بنشینم
کدام شاعر است که از جانور ناچیز و کربهی چون مگس، مضمون‌های متعدد و زیبا بیافریند:
گر برانی نرود و برود باز آید / ناگزیر است مگس دکه حلوابی را
و یا:
تو خواهی آستین افشان و خواهی روی درهم کش / مگس جایی نخواهد رفتن از دکان حلوابی

		ثنا نصاری (شاعر خوزستانی مقیم انگلستان)، جواد مزنگی (از کرمان) و سبحان زنگی (از بوشهر) به عنوان برگزیدگان مقام دوم مشترک معرفی شدند.
		همچنین در بخش کتاب سال، مجموعه «ده و ده دقیقه و سی ثانیه» از کیانوش خان محمدی به‌عنوان کتاب سال شعر ایران معرفی و در بخش «یک عمر فعالیت شعری» نیز علیرضا طبایی تجلیل شد.
		هفدهمین دوره جایزه کتاب سال شعر ایران به انتخاب خبرنگاران، با افزودن بخش جنبی پژوهش درباره شعر انتقادی و اعتراضی، در حال برگزاری است.

ممکن

است

شنیده

باید

که

می‌گویند

بانتوجه

به

ویژگی

چگونه

است

که

چندین

قرن

از

شعر

پاسخ

به

این

پرسش

را

باید

در

نثر

و

شعر

کرد

و

همچنان

«معیار»

بماند.

به

خوبی

می‌دانیم

که

نثر

در

سبک

قرن

هفتم

بیشتر

بر

مدار

دشوار

نویسی

بود

و

استفاده

از

نثر

شد

که

در

عین

است

که

در

عین

است

و

سبک

قرن

هفتم

بیشتر

بر

مدار

دشوار

نویسی

بود

و

استفاده

از

نثر

شد

که

در

عین

است

و

سبک

قرن

هفتم

بیشتر

بر

مدار

دشوار

نویسی

بود

و

استفاده

از

نثر

شد

که

در

عین

است

و

سبک

قرن

هفتم

بیشتر

بر

مدار

دشوار

نویسی

بود

و

استفاده

از

نثر

شد

که

در

عین

است

و

سبک

قرن

هفتم

بیشتر

بر

مدار

دشوار

نویسی

بود

و

استفاده

از

نثر

شد

که

در

عین

است

و

سبک

قرن

هفتم

بیشتر

بر

مدار

دشوار

نویسی

بود

و

استفاده

از

نثر

شد

که

در

عین

است

و

سبک

قرن

هفتم

بیشتر

بر

مدار

دشوار

نویسی

بود

و

استفاده

از

نثر

شد

که

در

عین

است

و

سبک

قرن

هفتم

بیشتر

بر

مدار

دشوار

نویسی